



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



سلسلہ مباحث مہدویت

قرآن و ظہور حضرت مہدیؑ



علی اصغر رضوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	مقدمه ناشر
۱۵	آیه اول
۲۰	آیه دوم
۲۳	آیه سوم
۲۸	آیه چهارم
۳۰	آیه پنجم
۳۸	آیه ششم
۴۱	آیه هفتم
۴۲	آیه هشتم
۴۴	آیه نهم
۴۵	آیه دهم
۴۹	بررسی آیات تأویلی مهدویت
۴۹	اشاره
۵۱	اشاره
۵۱	نمونه هایی از تأویلات
۵۳	تأویل در قرآن
۵۴	تأویل در لغت
۵۵	تأویل در اصطلاح
۵۶	تفاوت تفسیر و تأویل
۵۷	بطن قرآن

۵۹	ضابطه و ملاک تأویل
۶۲	انواع نزول قرآن
۷۳	سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت
۷۵	فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران
۸۵	درباره مرکز

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور: قرآن و ظهور حضرت مهدی " علیه السلام / تالیف علی اصغر رضوانی

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۶۶ ص.

فروست: سلسله مباحث مهدویت.

شابک: ۳۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۳۰-۳؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۶۵۰۰ ریال (چاپ پنجم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ پنجم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- جنبه های قرآنی

موضوع: مهدویت -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۱۰۴/م۸۶ ر ۵۵ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۷۷۹۴

ص: ۱

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

با مراجعه به قرآن کریم پی به وجود آیات بسیاری می بریم که به موضوع مهدویت و ظهور منجی در آخرالزمان اشاره کرده است. اینک به بررسی برخی از آن ها می پردازیم:

آیه اول

خداوند متعال می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ الْإِسْلَامَ وَيُخْرِجَهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِمْ وَهُمْ فِي الْفَضْلِ الْأَكْبَرِ» (۱) «خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آن ها را خلیفه در روی زمین قرار می دهد، همان گونه که پیشینیان را خلافت بر روی زمین بخشید، و دین پسندیده را برپا خواهد کرد، و خوف آن ها را به امنیت مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را بر من شریک نخواهند ساخت، و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند».

در این آیه وعده به سه چیز داده شده است: ۱- استخلاف در زمین. ۲- تمکین در زمین، ۳- تبدیل خوف به امن.

ص: ۹

راغب در «مفردات» می گوید: «خلافت نیابت از غیر است به جهت غیبت کسی که از طرف او نایب شده و یا به جهت مرگ و یا عجزش، و یا به جهت شرف او، و به همین معنای اخیر است که گفته می شود: خداوند اولیایی در زمین به عنوان خلیفه خود قرار داده است»^(۱).

در مقصود و مراد به «استخلاف» چند احتمال داده شده است:

۱ - خداوند به مؤمنین و کسانی که عمل صالح به جای آورده اند وعده داده که آن ها را به خلافت الهیه برساند همان گونه که درباره حضرت آدم و داوود و سلیمان علیهم السلام این معنا در قرآن وارد شده است.

در مورد حضرت آدم علیه السلام می فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^(۲) «من در روی زمین خلیفه قرار می دهم.» و در مورد حضرت داوود علیه السلام می فرماید: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً الْأَرْضِ»^(۳) «ای داود! ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم»^(۴).

با این احتمال مقصود به «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» انبیا خواهد بود.

این احتمال بعید است؛ زیرا این جمله یا شبیه آن در قرآن بیش از پنجاه بار به کار رفته ولی در هیچ مورد از آن ها مقصود، انبیای گذشته نبوده است.

۲ - برخی دیگر می گویند: مراد به «استخلاف» آن است که آن ها را بر زمین مسلط سازد و زمین را بر ایشان به ارث گذارد.^(۵) همان گونه که در آیه

ص: ۱۰

۱- ۲. راغب اصفهانی، مفردات قرآن، ص ۱۷۴، ماده «خلف».

۲- ۳. بقره / ۳۰.

۳- ۴. ص / ۲۶.

۴- ۵. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۴، ذیل آیه، تفسیر ماوردی، ج ۴، ص ۱۱۸، تفسیر بغوی، ج ۳، ص ۳۰۰.

۵- ۶. المیزان، ذیل آیه.

دیگر می فرماید: « إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ »؛ (۱) «زمین از آن خداست به هرکسی از بندگانش که بخواهد آن را ارث می دهد».

در این صورت مراد به «الذین من قبلهم» مؤمنین از امت های گذشته خواهند بود که خداوند، کفار و منافقین آن ها را نابود کرده و مؤمنین خالص رانجات داد، مثل قوم نوح و حضرت داوود، و قوم بنی اسرائیل و قوم هود و صالح و شعیب.

خداوند متعال می فرماید: « وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأُوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَلَنُسَيِّدَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ »؛ (۲) «کافران به پیامبران خود گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد مگر این که به آیین ما باز گردید. در این حال پروردگارشان به آن ها وحی فرستاد که ما ظالمان را هلاک می کنیم. و شما را بعد از آنان در زمین سکونت خواهیم داد و این [موفقیت برای کسی است که از مقام عدالت من بترسد و از عذاب [من بیمناک باشد]].»

معنای تمکین

تمکین نسبت به هر چیز به معنای برقرار کردن آن در مکان است، و این کنایه است از ثبات و اضطراب ناپذیری آن چیز به طوری که اگر اثری داشته باشد هیچ مانعی جلوگیری آن نباشد.

مقصود به «تمکین دین» آن است که خداوند دین را در جامعه مورد عمل مردم قرار دهد: « يَعْجِدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا » و اسلام را بر همه ادیان غالب سازد. و مراد به «دین مورد رضایت» همان دین اسلام است.

ص: ۱۱

۱-۷. اعراف / ۱۲۸.

۲-۸. ابراهیم ۱۳ / ۱۴.

در مقصود به کلمه «الارض» در آیه شریفه بین مفسرین اهل سنت اختلاف است، برخی مقصود به آن را زمین مکه و برخی زمین مدینه و برخی جزیره‌العرب دانسته‌اند. ولی نزد برخی دیگر مقصود کلّ روی زمین است. این معنا با روایات متواتر فراوان در موضوع حکومت عدل جهانی سازگاری دارد، و برخی از مفسّرین نیز همانند آلوسی و قرطبی آن را انتخاب کرده‌اند، خصوصاً آن که کلمه «الارض» با الف و لام آمده که ظهور در استغراق دارد، در نتیجه شامل کلّ کره زمین می‌شود.

تبدیل خوف به امنیت کامل

جمله «وَلَيَّدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعِيدٍ خَوْفِهِمْ» نیز دلالت بر حکومت عدل جهانی در عصر ظهور دارد؛ زیرا می‌دانیم که مؤمنین در طول تاریخ گرفتار مشکلات و مورد ظلم و جور سلاطین و دشمنان بوده و در خوف به سر می‌بردند. این خوف تبدیل به امن و امنیت کامل که ظهور آیه در آن است نمی‌شود مگر در صورتی که سلطه مؤمنین تمام روی زمین را فراگیرد، که تاکنون چنین امری اتفاق نیفتاده است. در نتیجه: آیه به آینده‌ای درخشان و دارای نوید و امنیت اشاره دارد که مؤمنین به آن خواهند رسید.

اقوال در مصداق آیه

۱ - برخی معتقدند آیه در مورد اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نازل شده که در زمان خلفا به امنیت کامل رسیدند. (۱)

ص: ۱۲

۲ - برخی دیگر آیه را شامل عموم امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته اند که زمین را به ارث خواهند برد. (۱)

۳ - مطابق برخی دیگر از تفاسیر، آیه مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عصر حکومت جهانی توحیدی اوست. این قول از جهاتی بر دو قول دیگر ترجیح دارد:

الف - با آیات دیگر که ظهور در غلبه دین اسلام در آخرالزمان بر سایر ادیان دارد سازگاری و مناسبت دارد.

ب - کلمه «الارض» که با الف و لام جنس آمده، با نبود قرینه ای بر انصراف آن بر سرزمین معینی، حمل بر تمام روی زمین می شود. (۲)

ج - همان گونه که اشاره شد تبدیل خوف به امنیت کامل تاکنون انجام نگرفته و این تنها با حکومت گسترده مؤمنین بر روی زمین انجام می گیرد.

د - با مراجعه به روایاتی که در ذیل آیه فوق آمده این معنا نیز تأیید می گردد.

قرطبی در ذیل این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «در آن روز بر روی زمین خانه ای نیست جز آن که خداوند کلمه اسلام را در آن وارد خواهد کرد» (۳)

سدی از ابن عباس نقل کرده که آیه در مورد آل محمد علیهم السلام نازل شده است. (۴)

ص: ۱۳

۱- ۱۰. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۶۱۴.

۲- ۱۱. همان، جامع البیان، ذیل آیه.

۳- ۱۲. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۴۲۹، درالمنثور، ذیل آیه.

۴- ۱۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۳.

از امام سجاده علیه السلام نیز نقل شده که فرمود: «آیه، در شأن حضرت قائم علیه السلام است»^(۱).

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «آیه در مورد قائم علیه السلام و اصحاب او است»^(۲).

ر - در زمان خلافت چهار خلیفه نیز امنیت کامل در سرتاسر دنیا پدید نیامد، خصوصاً آن که دو دشمن قدرتمند ایران و روم، اسلام را تهدید می کردند و لذا در طول سی سال، جنگ های زیادی به وقوع پیوست.

فضل می گوید: «... به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این نواصب گمان می کنند که این آیه در شأن ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نازل شده است. حضرت فرمود: خداوند قلوب نواصب را هدایت نمی کند، چه زمانی دین مرضی خدا و رسول تثبیت شده و امر آن انتشار یافته، و خوف و شک از قلوب و سینه های مردم در عهد یکی از آن سه خلیفه و در عهد امام علی علیه السلام با ارتداد مردم بیرون رفته است. چه فتنه هایی که در ایام آن ها برانگیخته شد، و چه جنگ هایی به آن ها منسوب است که بین آن ها و کفار واقع شد»^(۳).

آیه دوّم

خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^(۴) «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

ص: ۱۴

۱- ۱۴. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۴۴.

۲- ۱۵. غیبت نعمانی، ص ۱۲۶.

۳- ۱۶. تفسیر کنزالدقائق، ج ۹، ص ۳۳۵.

۴- ۱۷. توبه / ۳۳.

مقصود از هدایت در کلمه «بالهدی» هدایت الهی است که رسول خداصلی الله علیه وآله را با آن مبعوث کرده است. و مراد به «دین حق» همان دین اسلام است که شامل عقائد و احکام و مجموعه معارف الهی می گردد.

در مورد ضمیر در «لیظهره» که به چه مرجعی باز می گردد در نظر مفسرین اختلاف است.

برخی آن را به رسول خداصلی الله علیه وآله بازگردانده اند. و برخی دیگر آن را به «دین الحق» مرتبط دانسته اند، به این معنا که دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد نمود.

قرائن و شواهد، مؤید احتمال دوم است؛ زیرا:

اولاً: مطابق قاعده «الاقرب یمنع الأبعد» ضمیر باید به «دین حق» بازگردد؛ زیرا از «رسول» نزدیک تر است.

ثانیاً: بین غالب و مغلوب باید مناسبت باشد، به این معنا که اگر دین مغلوب ادیان غیر اسلامی است، دین غالب نیز باید از جنس دین باشد که همان دین اسلام است

تطبیق آیه بر عصر ظهور

گروهی از مفسرین، آیه را به عصر ظهور امام زمان علیه السلام تطبیق داده اند؛ زیرا تنها در آن زمان است که هیچ کس در روی زمین نیست جز آن که وارد دین اسلام شده یا تحت سلطه اسلام قرار خواهد گرفت.^(۱)

ص: ۱۵

۱-۱۸. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱، ص ۲۱۱، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱، تفسیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۱۰۴، تفسیر ثعلبی، ج ۵، ص ۳۵.

و برخی نیز معنای آیه را عام دانسته که دارای مصادیق مختلفی است و کامل ترین مصداق آن، عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. (۱)

فخر رازی می گوید: «این بشارت از طرف خداوند است و باید در آینده تحقق یابد و طبق روایات این بشارت در زمان حضرت عیسی و حضرت مهدی علیهما السلام تحقق خواهد یافت». (۲)

طبری می گوید: «در زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام تمام ادیان، باطل و نابود شده و تنها دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد». (۳)

از سعید بن جبیر در ذیل آیه شریفه روایت شده که فرمود: «آیه مربوط به مهدی از اولاد فاطمه علیها السلام است که خداوند او را بر همه ادیان غالب خواهد کرد». (۴)

سیوطی از جابر در تفسیر آیه فوق نقل کرده که فرمود: «این امر تحقق نخواهد یافت تا آن که هیچ یهودی یا نصرانی در روی زمین نباشد مگر آن که اسلام را انتخاب کند». (۵)

از مجاهد و سدی و عکرمه نیز همین معنا و تفسیر رسیده است.

سدی و عکرمه گفته اند: «آیه مربوط به زمان خروج مهدی علیه السلام است که در آن زمان هیچ کس باقی نمی ماند جز آن که داخل در اسلام شود». (۶)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق نقل کرده که فرمود: «والله ما

ص: ۱۶

۱- ۱۹. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.

۲- ۲۰. تفسیر فخر رازی، ج ۱۲، ص ۱۰۴.

۳- ۲۱. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۰۹.

۴- ۲۲. الفصول المهمه، ص ۳۰۰.

۵- ۲۳. درالمنثور، ج ۴، ص ۱۷۶.

۶- ۲۴. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۴، ص ۱۷۸۶، و ج ۱ ص ۲۱۱، تفسیر ثعلبی، ج ۵، ص ۳۵.

نزل تأویلها بعدُ ولا ينزل تأویلها حتى يخرج القائم عليه السلام، فاذا خرج القائم عليه السلام لم يبق كافر بالله العظيم...»؛^(۱) «به خدا سوگند، تأویل آیه هنوز تحقق نیافته و نخواهد یافت تا آن که قائم خروج کند، و هنگامی که خروج کرد کافر به خدای عظیم در روی زمین باقی نمی ماند».

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «زود است که برای شما مشرق های زمین و مغرب های آن فتح خواهد شد».^(۲)

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم از امام باقرعلیه السلام که می فرمود: «قائم از ما است که منصور به رعب و مؤید به نصرت است. زمین برای او جمع می شود. خداوند دین خود را به وسیله او بر همه ادیان غالب می گرداند اگرچه مشرکین از این امر کراهت داشته باشند. در زمین جای ویرانی باقی نمی ماند جز آن که آباد گردد. روح الله عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز خواهد گذارد».^(۳)

آیه سوم

خداوند متعال می فرماید « وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ »؛^(۴) «ما در (زبور) بعد از (ذکر) نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».

ص: ۱۷

۱- ۲۵. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۴۰۷، نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۰۹.

۲- ۲۶. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۳۷.

۳- ۲۷. نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۰۹.

۴- ۲۸. انبیاء / ۱۰۵.

در مقصود به «زبور» و «ذکر» در آیه فوق نزد مفسرین اختلاف است:

الف - برخی مراد به «زبور» را تمام کتب آسمانی و مراد به «ذکر» را امّ الکتاب دانسته اند.

ب - برخی دیگر مراد به اول را کتاب های آسمانی و مراد به دوم را خصوص تورات دانسته اند.

ج - احتمال سوم آن که مراد به زبور قرآن و مراد به ذکر تورات و انجیل است.

د - احتمال چهارم آن است که مقصود به «زبور» زبور داوود علیه السلام و مراد به «الذکر» تورات موسی علیه السلام است. (۱)

قول اخیر اقرب به واقع است، زیرا:

اولاً: لفظ «من بعد» در آیه، حمل بر معنای حقیقی می شود، به جهت آن که زبور بعد از تورات نازل شده است.

ثانیاً: کتاب داوود علیه السلام به اسم مزبور بوده و کتاب موسی به نام تورات بوده است.

در زبور ۳۷ جمله ۹ - ۱۱ می خوانیم:

«.. زیرا که شریران منقطع می شوند ولی متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد و حال اندک است که شریر نیست می شود، هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپدید خواهد شد. اما متواضعان وارث زمین شده و از کثرت سلامتی متلذذ خواهند گشت».

در جمله ۲۹ می خوانیم: «صالحان وارث زمین خواهند شد و در آن تا ابد ساکن خواهند گشت».

ص: ۱۸

در این که مقصود از کلمه «الارض» چیست نزد مفسرين اختلاف است:

۱ - برخی همانند ابن عباس مراد از آن را زمین بهشت دانسته اند به دليل آیه: « وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ »؛ (۱) «آن ها می گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین را ميراث ما قرار داد که هر جا بخواهيم منزلگاه خود قرار دهيم».

۲ - برخی ديگر همانند کلبی مقصود به آن را زمین دنیا دانسته اند که امت محمدصلي الله عليه وآله آن را وارث خواهد شد، به دليل آیه «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (۲) «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می کند و سرانجام (نیک) با پرهیزکاران است».

۳ - برخی ديگر می گویند که مراد «زمین مقدس» است که امت محمدصلي الله عليه وآله آن را به ارث خواهند برد. (۳)

۴ - برخی همانند علامه طباطبایی رحمه الله مقصود به «الارض» در آیه فوق را

ص: ۱۹

۱- ۳۰. زمر / ۷۴.

۲- ۳۱. اعراف / ۱۲۸.

۳- ۳۲. تفسير فخر رازی، ج ۲۲، ص ۲۲۹، جامع البيان، ج ۱۰، ص ۱۰۵.

مطلق زمین دنیا و آخرت «بهشت» دانسته اند، زیرا تخصیص به زمین دنیا بدون وجه است، لذا به عموم آن تمسک کرده و مقصود به آن را مطلق زمین دانسته اند.^(۱)

قول چهارم اقرب به واقع است؛ زیرا با مقایسه کلمه «الارض» در این آیه با آیات دیگر به دست می آید که مقصود به آن یا خصوص زمین دنیاست و یا تعمیم داده آن را شامل زمین آخرت نیز می دانیم.

مصدق «عبادی الصالحون»

در مورد «عبادی الصالحون» نیز مفسرین اختلاف نموده اند: برخی مراد از آن را امت محمدصلی الله علیه وآله و برخی نیز بنی اسرائیل و برخی دیگر شامل هر شخص صالحی دانسته اند.^(۲)

ولی بنا بر نظر صحیح، آیه معنای عامی دارد که شامل هر زمان و مکانی می شود، ولی مصداق اکمل و اتم آن مطابق روایات، زمانی است که مهدی موعود علیه السلام ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد نماید، در آن زمان است که تمام کره زمین در اختیار بندگان صالح خداوند قرار خواهد گرفت. شاهد این معنا آیات دیگر و روایات تفسیری ذیل آیه شریفه است.

انطباق آیه بر عصر ظهور

از جهاتی، آیه فوق را می توان بر عصر ظهور امام زمان علیه السلام تطبیق و انطباق نمود:

۱ - تفسیر مفسرین شیعه و سنی در دلالت آیه بر ارث بردن بندگان صالح خداوند در آخرالزمان.

ص: ۲۰

۱- ۳۳. المیزان، ج ۱۴، ص ۴۹۳.

۲- ۳۴. تفسیر زاد المسیر، ج ۵، ص ۲۹۲.

ابن کثیر می گوید: «خداوند در این آیه شریفه بشارت می دهد بر بندگان صالح خود که در دنیا و آخرت آنان را سعادت مند کرده و آنان را وارث زمین و بهشت گرداند».(۱)

«آلوسی» می گوید: «اگر بگوییم که این آیه مربوط به عصر مهدی علیه السلام و نزول عیسی علیه السلام است به اقوال دیگری احتیاج نیست».(۲)

«حوی» در تفسیر آیه فوق می گوید: «این آیه شبیه آیه ۳۳ از سوره توبه است. این وعده الهی - ان شاء الله - مطابق آیه و روایات، قبل از نزول حضرت مسیح تحقق خواهد یافت».(۳)

۲ - اطلاق آیه شامل تمام روی زمین و نیز تمام صالحان خواهد بود.

۳ - در ذیل آیه فوق روایاتی نقل شده که دلالت بر انطباق آیه بر عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد.

ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «خداوند برای من زمین را جمع نمود پس من مشرق ها و مغرب های آن را مشاهده می کردم و امت من زود است که به آن خواهند رسید».(۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: «مقصود به «عبادی الصالحون» اصحاب مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند».(۵)

ص: ۲۱

۱- ۳۵. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۴.

۲- ۳۶. روح المعانی، ج ۱۷، ص ۹۵.

۳- ۳۷. اساس فی التفسیر، ج ۷، ص ۳۵۱۰.

۴- ۳۸. تفسیر آلوسی، ج ۱۷، ص ۹۵.

۵- ۳۹. مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶.

خداوند متعال می فرماید: « وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ »؛ (۱) «اراده ما بر این قرار گرفته که بر مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار دهیم».

منت در لغت به معنای نعمت سنگین است (۲)؛ زیرا «من» در اصل به معنای سنگینی است و منت خدا همان نعمت های سنگین و ارزشمند اوست که به انسان ها ارزانی می شود (۳).

مستضعف از ماده ضعف خلاف قوت است. (۴) و استضعاف آن است که کسی طلب ضعف شخصی را کند و مستضعف کسی است که ضعیف شمرده شده است. (۵).

تعیین مصداق آیه

طبق سیاق آیه شریفه، مفسرین اهل سنت و شیعه، شأن نزول آیه را مربوط به قوم «بنی اسرائیل» می دانند. (۶) آن ها بودند که در روی زمین به استضعاف کشیده شده و خداوند آن ها را بر فرعونیان پیروز گرداند، ولی حقیقت آیه دلالت بر یک قانون کلی و اراده و مشیت همیشگی خداوند نسبت به مستضعفین تا روز قیامت دارد. خداوند اراده کرده که به حسب شرایط خاص،

ص: ۲۲

۱- ۴۰. قصص / ۵.

۲- ۴۱. مفردات راغب، ص ۷۷۷، ماده «من».

۳- ۴۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۰.

۴- ۴۳. مفردات قرآن، ص ۵۰۶.

۵- ۴۴. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۷، ص ۳۰.

۶- ۴۵. مجمع البيان، ج ۷- ۸، درالمنثور، ج ۶، ص ۳۹۲.

مستضعفین عالم را پیروز گرداند، که نمونه آن تحقق مشیت الهی نسبت به پیروزی بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کاملتر آن حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بعد از ظهور اسلام است. و مطابق روایات، مصداق کامل و تمام آن در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که خداوند حکومت آن حضرت را که حکومت مستضعفین است در سرتاسر عالم گسترش خواهد داد، و کره زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد. این معنا را می توان از قرائن و شواهدی استفاده کرد:

۱ - اراده خداوند در آیه فوق به صورت مضارع «نرید» بیان شده است که دلالت بر استمرار دارد، یعنی تا روز قیامت این اراده حتمی الهی پابرجاست که مستضعفین بر مستکبرین پیروز شوند، و این اراده در پایان تاریخ به صورت کلی عملی خواهد شد.

۲ - اراده حتمی الهی بر عنوان «مستضعفین» تعلق گرفته است، مستضعفین بنی اسرائیل خصوصیت ندارند بلکه آن ها به عنوان یکی از مصادیق آن به حساب می آیند.

۳ - روایاتی که از طریق شیعه و سنی در ذیل آیه فوق وارد شده دلالت بر عمومیت این سنت و وعده و اراده الهی دارد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «دنیا بعد از آن که در مقابل ما چموشی و سرکشی کرد همچون شتر بدخلق - که در بدو امر به فرزند خود شیر نمی دهد - به سوی ما روی می آورد و در برابر ما رام می شود. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «ونرید...»^(۱).

ص: ۲۳

۱- ۴۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۵۹، ینابیع الموده، ص ۴۳۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ هَذِهِ آيَةَ مَخْصُوصِهِ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ الَّذِي يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ يَبْسُدُ الْجَبَابِرَةَ وَ الْفِرَاعِنَةَ وَ يَمْلِكُ الْأَرْضَ شَرْقًا وَ غَرْبًا فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَّتْ جَوْرًا»؛ «همانا این آیه مخصوص به صاحب امری است که در آخر الزمان ظهور کرده و جباران و فرعونیان را نابود خواهد کرد. و شرق و غرب زمین را مالک می شود، پس زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم پر شده است».(۱)

آیه پنجم

خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از آیین خود باز گردد [به خدا زیانی نمی رسد] خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومند، آن ها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد [و شایسته ببیند] می دهد، و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست».

آیه فوق اشاره به «قانون استبدال» دارد. استبدال، ابدال، تبدیل، تبدل، به معنای قرار دادن شیئی به جای شیئی دیگر است. و در اصطلاح عبارت از تبدیل جامعه ای به جامعه دیگر است.

ص: ۲۴

۱- ۴۷. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۸.

۲- ۴۸. مائده / ۵۴.

عواملی در تبدیل یک جامعه به جامعه دیگر دخیل است که عبارتند از:

۱ - طرد خلیفه به حق رسول خداصلی الله علیه وآله که از جانب خداوند منصوب است.

۲ - کوتاهی در جهاد.

۳ - سهل انگاری در تطبیق دین در جامعه و رها کردن مبادی و ارزش های اخلاقی و انحراف از شریعت دینی.

جامعه ای که جایگزین جامعه قبل می شود نیز دارای شرایطی است از آن جمله:

۱ - تمسک به ولایت خلیفه الهی که به عنوان جانشین رسول از جانب خداوند معرفی شده است.

۲ - جهاد در راه خدا.

۳ - سعی و کوشش به جهت پیاده کردن اسلام در جامعه.

ابعاد تربیتی قانون استبدال

در قرآن کریم برای قانون استبدال دو بُعد تربیتی بیان شده است: یکی سلبی و دیگری ایجابی.

۱ - بُعد سلبی

یعنی عقوبت جامعه ای که قرار است تبدیل به جامعه ای دیگر شود. خداوند متعال می فرماید: «إِلَّا تَنْفَرُوا يَعْذِبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱)؛ «اگر [به سوی میدان جهاد] حرکت نکنید شما را مجازات دردناکی می کند و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می دهد و هیچ زیانی به او نمی رسانید و خداوند بر هر چیزی تواناست».

ص: ۲۵

که عبارت است از تکریم جامعه جایگزین. خداوند متعال می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛^(۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از آیین خود باز گردد به [خدا زیانی نمی رسد]، خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند».

تحقق استبدال در تاریخ از آیات قرآن استفاده می شود که سنت استبدال در طول تاریخ در وسعت ها و محدوده های مختلف واقع شده و در آینده ای نه چندان دور نیز در سطح وسیع تحقق خواهد یافت.

استبدال در تاریخ قوم بنی اسرائیل

خداوند متعال می فرماید: «وَوَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِّمَّتْ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^(۲)؛ و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم سپس آن را با ده شب دیگر تمام کردیم، به این ترتیب میعاد پروردگار با او، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش. و آن ها را اصلاح کن، و از روش مفسدان پیروزی منما».

قوم حضرت موسی علیه السلام سه شرط سنت استبدال را عملی کردند:

الف - طرد خلیفه به حق رسول

خداوند متعال می فرماید: «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأُلْوَاخَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي

ص: ۲۶

۱- ۵۰. مائده / ۵۴.

۲- ۵۱. اعراف / ۱۴۲.

فَلَمَّا تَشَجَّتْ بِبِي الْأَعْيَادِ وَلَمَّا تَجْعَلِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱)؛ «و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)! آیا در مورد فرمان پروردگارتان (و تمديد مدت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید؟!)) سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید؛ او گفت: «فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شامت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده!»

ب - کوتاهی در جهاد

خداوند متعال می فرماید: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ اذْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ * قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَخَلُونَا...» (۲) «ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!» گفتند: «ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیتی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آن ها از آن خارج شوند؛ اگر آن ها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!»

ج - دوری از ارزش های الهی

خداوند متعال می فرماید: «وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجَلًا

ص: ۲۷

۱- ۵۲. اعراف / ۱۵۰.

۲- ۵۳. مائده / ۲۰ - ۲۶.

جَسَدًا لَهُ خُوَارُ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكْلِمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ» (۱) «قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله ای ساختند؛ جسد بی جانی که صدای گوساله داشت! آیا آن ها نمی دیدند که با آنان سخن نمی گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند!».

عقوبت استبدال در قوم حضرت موسی علیه السلام

خداوند متعال در حکایت از حضرت موسی علیه السلام می فرماید: « قَالَ رَبِّ إِنِّي لَأَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ * قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَمَّا تَأَسَّ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»؛ (۲) «موسی) گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیت گنهکار، جدایی بیفکن! * خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آن ها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!»

سنت استبدال در تاریخ امت اسلامی

قرآن کریم به قانون استبدال در امت اسلام توجه بیشتری داشته است؛ زیرا آخرین استبدال تاریخی است. و این استبدال با سه شرط محقق خواهد شد:

۱ - غضب خلافت اولیای الهی

خداوند متعال می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ

ص: ۲۸

۱- ۵۴. اعراف / ۱۴۸.

۲- ۵۵. مائده / ۲۵ - ۲۶.

فَسَيُؤْفَفُ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ» (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی رساند) خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند».

علی بن ابراهیم می گوید: «مخاطب این آیه اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله است، کسانی که حق آل محمد را غصب نموده و از دین مرتد شدند. و در ذیل جمله « فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه » می گوید: «آیه در شأن قائم علیه السلام و اصحاب او نازل شده است» (۲).

۲ - کوتاهی در جهاد در مقابل دشمنان الهی

خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ * إِنْ تَنْفَرُوا يَعِدْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با این که متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست! * اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را

ص: ۲۹

۱- ۵۶. مائده / ۵۱ - ۵۶.

۲- ۵۷. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۳- ۵۸. توبه / ۳۸ و ۳۹.

مجازات دردناکی می کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می دهد؛ و هیچ زبانی به او نمی رسانید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست!»

۳ - کوتاهی در عمل به شریعت اسلامی

خداوند متعال می فرماید: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَنْتَحِلُوا قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ»؛ (۱) «و هر گاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می آورد پس آن ها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می کنند)».

استبدال موعود در قرآن

در قرآن کریم به استبدال موعود اشاره شده است:

خداوند متعال می فرماید: «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَي ذَٰلِكَ قَدِيرًا»؛ (۲) «ای مردم! اگر او بخواهد، شما را از میان می برد و افراد دیگری را (به جای شما) می آورد، و خداوند، بر این کار تواناست».

و نیز می فرماید: «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ»؛ (۳) «آن ها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنان دادیم؛ و اگر (بفرض) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی ماند؛ زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند».

اوصاف ایجابی مجتمع جایگزین

۱ - تمسک مجتمع جایگزین به ولایت الهی

ص: ۳۰

۱- ۵۹. محمدصلی الله علیه وآله / ۳۸.

۲- ۶۰. نساء / ۱۳۳.

۳- ۶۱. انعام / ۸۹.

خداوند متعال می فرماید: «... أَذَلَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ «در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.»

۲ - التزام به عمل جهادی در مقابل دشمن

خداوند متعال می فرماید: «يَجْهَدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ «آن ها در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند.»

۳ - تمسک به اصول دین و شریعت و پیاده کردن ارزش های دینی در جامعه

خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَدْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛ (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی رساند؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند»

تأویل آیه در روایات

با مراجعه به روایاتی که در ذیل آیه مورد بحث وارد شده پی می بریم که اهل بیت علیهم السلام آن را تأویل به اصحاب امام زمان علیه السلام نموده اند:

سلیمان بن هارون عجلی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «انَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ أَصْحَابُهُ، لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعًا أَتَى اللَّهَ لَهُ بِأَصْحَابِهِ... وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ...»؛ «همانا صاحب این امر محفوظ است. و او دارای اصحابی است که اگر تمام

ص: ۳۱

مردم از بین بروند خداوند متعال اصحاب او را گرد او جمع می کند. آن ها هستند که خداوند در موردشان فرمود: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ...» (۱)

آیه ششم

خداوند متعال می فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (۲) «با آنان پیکار کنید تا فتنه برچیده شود و دین همه مخصوص خدا باشد و اگر آن ها خودداری کنند خدا به آنچه انجام می دهند آگاه است.»

همین مضمون در سوره بقره آیه ۱۹۳ نیز تکرار شده است.

«فتنه» عبارت است از هر چیزی که موجب اختلال یا اضطراب است هرچه که موجب این دو امر شود فتنه نامیده می شود. فتنه مصادیقی دارد، مثل اموال و اولاد و کفر و دیگر امور در صورتی که موجب اختلال یا اضطراب شود. (۳)

غالب مفسرین شیعه و سنی مطابق ظاهر آیه و روایات مقصود فتنه را «شرك» دانسته اند. (۴)

در این که مقصود به «قاتلوه» جنگ ابتدایی است یا دفاعی برخی همانند قرطبی معتقدند که قتال در آیه، ابتدایی است زیرا:

ص: ۳۲

۱- ۶۳. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲- ۶۴. انفال / ۳۹.

۳- ۶۵. مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن، ج ۹، ص ۲۳.

۴- ۶۶. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۳۴، المیزان، ج ۲، ص ۸۱، تفسیر برهان، ج ۳، ص ۳۱۷ و...

اولاً: سیاق آیه بر این معنا دلالت دارد، چون می فرماید: «وَيَكُونُ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ».

ثانياً: این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من مأمورم که بجنگم تا هر کس لا اله الا الله بگوید» (۱).

تأویل آیه بر زمان حضرت مهدی علیه السلام

از طرقی می توان آیه فوق را بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت عدل توحیدی جهانی او منطبق کرد.

۱ - آیه شریفه دلالت دارد بر این که شرک و کفر (فتنه) باید ریشه کن شود و دین مخصوص خدا باشد و هیچ مشرکی در روی زمین نماند جز آن که کشته شده یا داخل دین اسلام گردد. این امر هنوز تحقق نیافته است، در حالی که می دانیم آرزوی الهی باید در یک روزی محقق شود و فتنه که همان شرک و کفر است از روی زمین برچیده شود و دین خالص برای خدا باشد. مطابق روایات مهدویت، این امر در عصر ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد که مشرکی زنده نمی ماند جز آن که وارد اسلام گردد.

۲ - آیات دیگری همچون آیه ۳۳ از سوره توبه مؤید همین معنا است که از آیه فوق استفاده نمودیم. خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»، «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها پیروز گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

ص: ۳۳

آلوسی در تفسیر جمله «ویکون الدین کله الله» می گوید: «مقصود آن است که همه ادیان باطل از بین برود، یعنی یا اهل آن ادیان از بین رفته و هلاک شوند و یا از ترس و جهات دیگر به دین اسلام بگردند» (۱).

همین معنا را برخی دیگر از مفسرین از جمله زمخشری، ابی سعود و شوکانی نیز در تفسیر خود آورده اند (۲).

آلوسی سپس می گوید: «گفته اند که تأویل این آیه تاکنون محقق نشده است و در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأویل آن خواهد آمد و در آن عصر هیچ مشرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند» (۳).

۳- روایاتی که در ذیل آیات فوق آورده شده نیز دلالت بر همین معنا دارد:

زراره می گوید از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه «وقاتلوهم حتی...» سؤال شد، حضرت فرمود: «لم یجئ تأویل هذه الآیه و لو قد قام قائمنا بعد سیری من یدرکه ما یکون من تأویل هذه الآیه. و لیبلغن دین محمد صلی الله علیه وآله ما بلغ اللیل حتی لایکون مشرک علی ظهر الارض»؛ (۴) «هنوز تأویل آیه نیامده است، و اگر قائم ما قیام کند زود است که کسانی که او را درک کنند تأویل این آیه را ببینند. و دین محمد صلی الله علیه وآله به تمام نقاطی که شب پوشش آرام بخش خود را بر آن می افکند، خواهد رسید، تا این که در سراسر زمین، شرک و بت پرستی نماند».

نتیجه این که: هدف اصلی از قتال با مشرکین، به هر نحو از انحاء شرک،

ص: ۳۴

۱- ۶۸. روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴.

۲- ۶۹. کشف، ج ۲، ص ۲۲۰، تفسیر ابی سعود، ج ۳، ص ۹۶، فتح القدر، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳- ۷۰. روح المعانی، ج ۹، ص ۱۷۴.

۴- ۷۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۰۳، نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۵۵.

آن است که شرک و کفر از جامعه و تمام روی زمین برچیده شود. انبیا علی الخصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گرچه به دنبال این هدف و خواست الهی بوده و نهایت سعی و کوشش خود را در تحقق این هدف به کار بردند ولی می بینیم که هنوز این هدف در خارج تحقق پیدا نکرده است، و این نه به جهت ضعف یا کوتاهی انبیا و رسول گرامی اسلام است، بلکه هنوز شرایط برای تحقق آن پدید نیامده است. پس باید قبل از پایان تاریخ بشر این امید و آرزو و هدف خلقت در خارج تحقق یافته و پیاده گردد، و این بنا بر آنچه در روایات مهدویت آمده به دست باکفایت حضرت مهدی علیه السلام در سطح تمام عالم تحقق خواهد یافت.

آیه هفتم

خداوند متعال می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحَقُّوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عِقبَةُ الْأُمُورِ» (۱) «(یاران خدا) کسانی هستند که هر گاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می دارند و زکات را ادا کرده و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست».

تمکین در لغت به معنای فراهم ساختن وسایل و ابزار کار است. و مراد به تمکین در زمین در آیه فوق یاری دادن مسلمانان بر دشمنانشان می باشد. (۲)

ص: ۳۵

۱- ۷۲. حج / ۴۱.

۲- ۷۳. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۱۷۸، زادالمسیر، ج ۵، ص ۳۱۹.

آیه شریفه گرچه ممکن است اطلاق داشته باشد ولی مصداق کامل و اتم و اکمل آن عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که یاران حضرت بعد از آن که بر تمام روی زمین مسلط شده و زمین در اختیارشان قرار می گیرد به وظایف دینی خود که برپایی نماز و اداء زکات و امر به معروف و نهی از منکر است خواهند پرداخت.

حاکم حسکانی از زید بن علی نقل می کند که می فرمود: «هرگاه که قائم از آل محمد قیام کند می گوید: ای مردم! ما کسانی هستیم که خداوند شما را در کتابش وعده داده: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (۱)

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق نقل می کند که فرمود: «فهذه لآل محمد صلوات الله عليهم الى آخر الآية و المهدى عليه السلام واصحابه يملكهم الله مشارق الارض و مغاربها و يظهر الدين و يميت الله به و باصحابه البدع و الباطل كما امانت الشقاق الحق حتى لا يري اين الظلم، و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر»؛ (۲) «این آیه در شأن آل محمد است، در شأن مهدی و اصحاب اوست، خداوند آنان را صاحبان مشرق های زمین و مغرب های آن قرار خواهد داد، دین را ظاهر کرده و به توسط او و اصحابش خداوند عزوجل بدعت ها و باطل را از بین می برد، آنگونه که تبه کاران، حق را نابود کرده بودند، تا این که اثری از ظلم دیده نشود. و امر به معروف کرده و نهی از منکر می کنند».

آیه هشتم

خداوند متعال می فرماید: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ

ص: ۳۶

۱- ۷۴. شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲- ۷۵. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۸۲.

جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ؛^(۱) «آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهانی برپا می شود، پس نشانه های آن آمده است، اما هنگامی که بیاید تذکر آن ها سودی نخواهد داشت».

«اشراط» جمع شَرَط به معنای علامت است. و اشراط الساعه به معنای علائم قیامت است.

برخی از مفسرین شیعه و اهل سنت در ذیل آیه فوق روایات مهدویت را ذکر کرده اند به جهت آن که تحقق ظهور مهدی علیه السلام را یکی از علائم مهم برپایی قیامت دانسته اند.

احمد و ابوداود از ابو سعید خدری روایت کرده اند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «قیامت برپا نمی شود تا آن که مردی از اهل بیت فرمانروای زمین شود... زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد آن گونه که قبل از آن پراز ظلم و جور شده باشد، این حکومت هفت سال طول می کشد».^(۲)

ترمذی نیز با سند صحیح از ابی هریره نقل کرده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی از اهل بیت که هم نام من است متولی زمین گردد».^(۳)

در مصادر روایی و تفسیری شیعه نیز همین مضمون به نحو متواتر از پیامبراسلام و اهل بیت معصومش علیهم السلام رسیده است.

امام حسن علیه السلام از امام علی بن ابی طالب علیه السلام و او از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده

ص: ۳۷

۱- ۷۶. محمدصلی الله علیه وآله / ۱۸.

۲- ۷۷. درالمشور، ج ۷، ص ۴۸۷.

۳- ۷۸. همان.

که فرمود: «قیامت برپا نمی شود تا آن که قائم به حق قیام کند و این وقتی است که خداوند عزوجل اذن دهد. هر کس او را متابعت کند نجات یافته و هر کس از او تخلف نماید هلاک شده است...» (۱).

آیه نهم

خداوند متعال می فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فِرْعَوْنًا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»؛ (۲) «اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود، اما نمی توانند (از چنگال عذاب الهی) بگریزند و آن ها را از مکان نزدیک می گیرند».

ماده «فرع» در لغت به معنای انقباض و نفرتی است که از چیزی خوفناک بر انسان عارض می شود و آن از جنس جزع است. (۳)

مصطفوی در «التحقیق فی کلمات القرآن» می گوید: «فرع عبارت است از خوف شدید با اضطراب و وحشت که هنگام عارض شدن مکروه عظیمی دفعتاً عارض می گردد». (۴)

مفسرین در تفسیر آیه فوق اختلاف نموده اند، برخی از آنان قائلند که آیه مربوط به لشکر سفیانی است که در آخرالزمان و قبل از ظهور مهدی علیه السلام بین مکه و مدینه در سرزمینی به نام بیداء در زمین فرو می روند. (۵) و برخی مراد به فرع را عذاب دنیا معنا کرده اند ولی معنای آن را عام گرفته اند، یعنی ممکن

ص: ۳۸

۱- ۷۹. منتخب الاثر، ص ۲۲۳.

۲- ۸۰. سبأ / ۵۱.

۳- ۸۱. مفردات راغب، ص ۶۳۵.

۴- ۸۲. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۸۱.

۵- ۸۳. تفسیر فتح القدر، ج ۴، ص ۴۰۷، درالمنثور، ج ۶، ص ۷۱۲.

است که مصادیق مختلفی داشته باشد که یکی از مصادیق آن «لشکر سفیانی» است.

ابن عباس در تفسیر آیه فوق می گوید: «مقصود به آن لشکر سفیانی است...» (۱).

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «والله لكانني انظر الى القائم عليه السلام وقد اسند ظهره الى الحجر... فاذا جاء الى البيداء يخرج اليه جيش السفيناني فيأمر الله الارض فتأخذ اقدامهم و هو قوله تعالى: (و لو ترى اذ فرعوا...؛ «به خدا سوگند که هر آینه نظر می کنم به قائم علیه السلام که به حجر الاسود تکیه داده است... هنگامی که به سرزمین بیداء می رسد لشکر سفیانی به سوی او حرکت می کند، خداوند به زمین امر می کند، پس از زیر پاهایشان گرفته می شود (در زمین فرو می روند)، و این است قول خداوند «وَلَوْ تَرَى إِذِ فَرَغُوا» (۲).

آیه دهم

خداوند متعال می فرماید: « وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ، (۳) «او سبب آگاهی در روز قیامت است، هرگز در آن تردیدی نیست و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است».

در این که ضمیر «آنه» به چه بازمی گردد دو احتمال وجود دارد:

ص: ۳۹

۱- ۸۴. در المنثور، ج ۶، ص ۷۱۲.

۲- ۸۵. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۷، نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۴۴.

۳- ۸۶. زخرف / ۶۱.

الف - به قرآن بازگردد که با سیاق آیات سازگاری ندارد.

ب - به حضرت عیسی علیه السلام بازگردد. این احتمال صحیح است؛ زیرا:

اولاً: در آیات قبل و بعد از این آیه سخن از حضرت عیسی علیه السلام است. در این صورت معنای آیه این خواهد بود: «نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان به زمین که در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است علمی است که به وسیله آن آمدن قیامت معلوم می شود، زیرا نزول او از اشراف و علائم قیامت است.

این احتمال تأیید می شود با قرائت دیگری که اینگونه آیه را قرائت کرده است: «وَ إِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلنَّبِیِّ اَعْمَهُ» که به معنای علامت و نشانه است. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «نزول حضرت عیسی علیه السلام نشانه و علامت قیامت است». (۱)

اکثر مفسرین همین معنا را قبول نموده اند. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چگونه است حال شما هنگامی که فرزند مریم در میان شما نازل شود در حالی که امام شما در میان شماست». (۳)

هیتمی از ابوالحسن آبری نقل می کند: «اخبار متواتر و راویان فراوان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند: مهدی علیه السلام که از اهل بیت علیهم السلام پیامبر است خروج کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود. در همان زمان است که عیسی نزول کرده و به امام مهدی علیه السلام اقتدا خواهد نمود». (۴)

ص: ۴۰

۱- ۸۷. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۹۴، تفسیر جامع البیان، ج ۱۳، ص ۹۰، تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۶۹.

۲- ۸۸. تفسیر فتح القدر، ج ۴، ص ۶۷۲، صواعق المحرقة، ص ۷۳.

۳- ۸۹. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳.

۴- ۹۰. صواعق المحرقة، ص ۷۳.

صدیق حسن بخاری نیز می گوید: «همانا عیسی بعد از مهدی علیه السلام یا همراه با او نزول خواهد کرد و مهدی را در کشتن دجال کمک خواهد نمود، آن گاه در نمازهایش به مهدی اقتدا می کند».^(۱)

ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «از ما است کسی که عیسی بن مریم به او در نماز اقتدا خواهد نمود».^(۲)

محمد بن مسلم ثقفی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «قائم از ما به ترس و رعب یاری شده و به نصرت تأیید شده است... و روح الله عیسی بن مریم می آید و پشت سر او نماز می گذارد».^(۳)

ص: ۴۱

۱- ۹۱. الاذاعه، ص ۱۳۶.

۲- ۹۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۳- ۹۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۰۹.

یکی از اشکالاتی که اهل سنت به شیعه داشته و دارد وجود روایات تأویلی در حدیث شیعه است. آیات بسیاری به حضرت مهدی علیه السلام، ولادت، غیبت، ظهور و حکومت آن حضرت تأویل شده است. آیاتی که شأن نزول خاص داشته و با ملاحظه ظاهر آن ها هیچ گونه تناسبی بین آن ها و مورد روایت ملاحظه نمی شود. این ها چه نوع تفسیری است که در روایات آمده است؟ موضوعی است که در این اینجا مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نمونه هایی از تأویلات

اینک به برخی از روایات تأویلی که در باب مهدویت آمده اشاره می کنیم:

۱ - درباره آیه دوم و سوم از سوره بقره «الم * ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که: متقین شیعیان علی علیه السلام و مقصود به غیب حجت (غائب) است. (۱)

۲ - درباره آیه ۱۴۸ از سوره بقره «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مقصود به خیرات «ولایت» است». (۲)

ص: ۴۵

۱- ۹۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲- ۹۵. روضه کافی، ص ۳۱۳.

و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که مقصود از «يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» اصحاب قائم علیه السلام است. (۱)

۳ - آیه ۸۳ از سوره آل عمران «وَلَهُ أُسِّلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام بر قیام حضرت قائم علیه السلام تطبیق شده است. (۲)

۴ - درباره آیه ۶۹ از سوره نساء «وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» از امام صادق علیه السلام نقل شده که مقصود از نبیین رسول خدا، و صدیقین، علی و شهداء، حسن و حسین و صالحین، ائمه و مقصود به «حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» قائم از آل محمد علیهم الصلاه و السلام است. (۳)

۵ - درباره آیه ۸ از سوره هود «وَلَئِنْ أَخْرَجْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «عذاب، خروج قائم علیه السلام است و مقصود از «أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» اهل بدر و اصحاب آن است». (۴)

۶ - درباره آیه ۸۰ از سوره هود «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مقصود، قوت قائم علیه السلام است. و رکن شدید سیصد و سیزده نفر از اصحاب او است». (۵)

۷ - درباره آیه ۵ از سوره ابراهیم علیه السلام: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» از امام باقر علیه السلام

ص: ۴۶

۱- ۹۶. کتاب الغیبه، ص ۱۶۸.

۲- ۹۷. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳- ۹۸. همان، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴- ۹۹. کتاب الغیبه، ص ۱۲۷.

۵- ۱۰۰. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۶.

نقل شده که فرمود: «ایام خداوند عزوجل سه روز است، روزی که قائم علیه السلام قیام می کند و روز کثره (رجعت) و روز قیامت» (۱).

۸ - درباره آیه ۸۷ از سوره حجر: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «آن، هفت نفر از ائمه و قائم علیه السلام است» (۲).

۹ - درباره آیه ۳۳ از سوره اسراء: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَشْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «او (منصور) قائم آل (بیت) محمد علیهم السلام است که خروج می کند و به جهت ریخته شدن خون امام حسین علیه السلام، دست به کشتار می زند، و اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است» (۳).

۱۰ - درباره آیه ۲۰ از سوره شوری: «وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نیست برای او در دولت حق با قائم علیه السلام نصیبی» (۴).

۱۱ - درباره آیه ۲۶ از سوره معارج: «وَالَّذِينَ يَصِفُونَ يَوْمَ الدِّينِ» از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «به خروج قائم علیه السلام» (۵).

تأویل در قرآن

از جمله اعتراضاتی که اهل سنت نسبت به شیعه داشته و دارد، این است

ص: ۴۷

۱- ۱۰۱. خصال صدوق، ص ۱۰۸.

۲- ۱۰۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳- ۱۰۳. کامل الزیارات، ص ۶۳.

۴- ۱۰۴. کافی، ج ۱، ص ۴۳۵.

۵- ۱۰۵. روضه کافی، ص ۲۸۲.

که می گوید: در تفاسیر روایی شیعه، روایاتی از اهل بیت پیامبر علیهم السلام نقل کرده اند که با ظاهر قرآن هیچ گونه ارتباط و سنخیتی ندارد!! آنان قرآن را بر امامان و فضایل و مناقبشان تطبیق و تأویل می نمایند، درحالی که ارتباطی با ظاهر قرآن ندارد. اینک درصدد بررسی این موضوع برمی آییم که معنای تأویل و ظاهر چیست؟ و بطن قرآن چیست؟ و آیا این تأویلات و معانی که در حقیقت بطن قرآن است، صحیح به نظر می رسد و مطابق با موازین کلام است یا خیر؟

تأویل در لغت

تأویل از ریشه «أول» به معنای «بازگشت به اصل» گرفته شده است. فیومی در «مصباح المنیر» می گوید: «آل الشیء یؤول أولاً ومآلاً: رجع». (۱) راغب اصفهانی می نویسد: «التأویل من الأول، أى الرجوع إلى الأصل». (۲) بنابر تعریف راغب، تأویل یک شیء؛ یعنی برگرداندن آن به مکان و مصدر اصلی خودش. و تأویل لفظ متشابه؛ یعنی توجیه ظاهر آن به طوری که به معنای واقعی و اصیل خودش باز گردد.

تشابه، گاه در گفتار (قول) است و گاه در کردار (عمل)؛ تشابه در گفتار، زمانی است که ظاهر تعبیر به گونه ای باشد که یا برای شنونده ایجاد شبهه کند و یا بتوان به وسیله آن در ذهن دیگران ایجاد شبهه نمود.

تشابه در عمل، زمانی است که ظاهر کرداری مشکوک و حیران کننده باشد، مانند اعمالی که مُصاحب موسی علیه السلام انجام می داد، و حضرت موسی نتوانست آن را تحمل کند.

ص: ۴۸

۱- ۱۰۶. مصباح المنیر، ماده اول.

۲- ۱۰۷. مفردات راغب، ماده اول.

در قرآن کریم، تأویل به سه معنا به کار رفته است:

۱ - توجیه ظاهر لفظ یا عمل متشابه، به گونه ای صحیح که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد، ممکن است آیه مبارکه: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» (۱) اشاره به توجیه ظاهر لفظ باشد؛ یعنی آنان که در دل هایشان انحراف است، از قرآن فقط آنچه را که مبهم است پیروی می کنند تا فتنه و آشوب برپا نمایند.

و جریان مصاحب موسی که در آیات سوره کهف بدان اشاره رفته است می تواند به عمل متشابه اشاره باشد: «سَأْتِبُوكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (۲) به زودی تو را به گزارش آنچه که بر آن صبر نتوانستی بکنی خبردار می کنم. آیه: «ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (۳) این است گزارش آنچه که بر آن نتوانستی صبر کنی، می تواند به این معنا از تأویل اشاره داشته باشد.

۲ - تعبیر خواب؛ تأویل به این معنا هشت بار در سوره یوسف، آیات ۶، ۲۱، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰ و ۱۰۱ به کار رفته است.

۳ - فرجام و حاصل کار؛ یعنی آنچه که موضوع بدان منتهی می شود. خداوند متعال می فرماید: «وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَسْوَاقِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (۴) و پیمان را چون بکشید با ترازوی درست وزن کنید که این بهتر است و عاقبت آن نیکوتر است.

ص: ۴۹

۱- ۱۰۸. سوره آل عمران، آیه ۷.

۲- ۱۰۹. سوره کهف، آیه ۷۸.

۳- ۱۱۰. سوره کهف، آیه ۸۲.

۴- ۱۱۱. سوره اسراء، آیه ۳۵.

و نیز می فرماید: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ» (۱) آیا آنان جز در انتظار تأویل آنند، روزی که وقت انجام آن بیاید. یعنی آیا در انتظار به سر می برند تا بدانند فرجام کار شریعت و قرآن به کجا ختم می شود؟ آگاه باشند که انتظارشان چندان به طول نخواهد انجامید و به سزای خویش خواهند رسید.

تفاوت تفسیر و تأویل

همان گونه که اشاره شد، در گذشته «تفسیر و تأویل» دو لفظ مترادف بود، لذا طبری در تفسیر خود «جامع البیان» آن دو را به یک معنا گرفته است، و در مورد تفسیر آیه می گوید: «القول من تأویل الآیه»، ولی در اصطلاح متأخران تأویل به معنایی مغایر با تفسیر و شاید اخصّ از آن به کار رفته است.

تفسیر عبارت است از: رفع ابهام از لفظ دشوار و نارسا؛ از این رو تفسیر درجایی کاربرد دارد که به علت تعقید و پیچیدگی در الفاظ، معنا مبهم و نارسا باشد. البته عوامل لفظی و معنوی در ایجاد تعقید نقش دارد.

ولی تأویل عبارت است از: دفع شک و شبهه از اقوال و افعال متشابه. بنابراین تأویل در موردی به کار می رود که ظاهر لفظ یا عمل، شبهه انگیز باشد، به طوری که موجب پوشیدگی حقیقت معنای کلام و غرض اصلی گوینده شده باشد، و وظیفه تأویل کننده، برطرف کردن این خفا و نارسایی است. بنابراین تأویل علاوه بر رفع ابهام، همزمان دفع شبهه نیز می نماید.

پس هر جا تشابهی در الفاظ باشد، ابهامی در معنا خواهد بود، لذا در تأویل، رفع ابهام و دفع شبهه توأم است.

ص: ۵۰

برای تأویل در کلام پیشینیان معنای دیگری هم به کار رفته که در قرآن نیامده است، که آن عبارت است از انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه ای که در مورد خاصّی نازل شده است. تأویل به این معنا، گاهی به «بطن»؛ یعنی معنای ثانوی و پوشیده ای که از ظاهر آیه به دست نمی آید هم تعبیر شده است، در مقابل «ظهر»؛ یعنی معنای اولیه ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن معنا را می فهمانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «ما فی القرآن آیه إلما ولها ظهر و بطن»؛ در قرآن هیچ آیه ای نیست مگر این که دارای ظُهر و بطن است. وقتی از امام باقر علیه السلام از معنای این حدیث پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال شد، در پاسخ فرمود: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله، منه ما قد مضی ومنه ما لم یکن، یجری کما تجری الشمس والقمر»^(۱) ظُهر قرآن؛ یعنی تنزیل آن و بطن قرآن؛ یعنی تأویل آن. برخی از مصادیق تأویل آیات قرآن در گذشته روی داده و بعضی هنوز رخ ننموده است. قرآن و آیات آن همانند خورشید و ماه است که همواره در حرکت و پویایی اند.

و در روایت دیگر، امام باقر علیه السلام می فرماید: «اگر آیه ای از قرآن درباره قومی نازل شود و سپس آن قوم هلاک شوند، با هلاکت آنان، آیه نیز خواهد مرد - یعنی نزول آن انجام پذیرفته است -، ولی قرآن همیشه زنده است - یعنی در مقام تأویل - و مفهوم آیات عام است، تا آسمان و زمین پا برجاست تمامی آیات قرآن از اول تا به آخر زنده است، و اقوام مختلف که در طی زمان می آیند، ناگزیر مصادیق آیات رحمت یا عذاب آن خواهند بود.»^(۲)

ص: ۵۱

۱- ۱۱۳. بصائر الدرجات، ص ۱۹۶.

۲- ۱۱۴. تفسیر عیاشی، ص ۱۰، ح ۷.

این معنای تأویل دامنه ای بس گسترده دارد. و همین معناست که ضامن عمومیت قرآن است و موجب می شود قرآن در تمام زمان ها و دوران ها زنده و حاضر باشد؛ زیرا اگر مفاهیم فراگیر برگرفته شده از موارد خاص نباشد و آیه مختص همان مورد شأن نزول باشد، بسیاری از آیات بی ثمر خواهند بود.

خداوند متعال می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ (۱)» آیه در مورد غنایم به دست آمده در جنگ بدر نازل شده است، ولی اگر شأن نزول آیه را کمی گسترده فرض کنیم - با شرایط خاص - شامل غنایم جنگ های دیگر نیز خواهد شد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه، با نظر به عمومیت «ما»ی موصول، غنیمت را به مطلق فایده و منافع حاصل از کسب و تجارت تفسیر می کند، به گونه ای که هر سودی را که صاحبان صنعت و تجارت و غیر آن ها در هر سال و به هر شکل به دست می آورند شامل می شود. لذا آن حضرت با استشهاد به آیه فرمود: «پرداخت غنایم و فواید در هر سال بر آنان (مسلمانان) واجب است.»

و نیز خداوند متعال می فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۲) این آیه در مورد آمادگی دفاع از حریم اسلام نازل شد، و اقتضای شأن نزول آن این است که صاحبان ثروت باید مخارج جهاد را بپردازند و جلوی تسلط دشمن را بگیرند. ولی کلمه «سبیل» در آیه، تنها به معنای جهاد نیست، «سبیل الله»؛ یعنی راه اعلای کلمه دین و تحکیم و بسط فرمان خدا در روی زمین، که احتیاج به مخارج مالی دارد باید در راه آن مصرف نمود.

ص: ۵۲

۱- ۱۱۵. انفال / ۴۱.

۲- ۱۱۶. بقره / ۱۹۵.

برای آگاهی از دلالات کلام - اعم از دلالت خفی و جلی - شرایط و ملاک هایی وجود دارد که بدون رعایت آن ها، معانی دقیق کلام حاصل نخواهد شد. لذا همان گونه که تفسیر کلام دارای قوانین و ملاک هایی است که در اصول و منطق بررسی شده است، تأویل کلام - یعنی به دست آوردن معانی باطنی قرآن - نیز شرایط و قوانینی دارد که بی اعتنایی به آن ها، سر از تفسیر به رأی در می آورد.

به عبارت دیگر: تأویل چون از اقسام دلالت باطنی کلام است، جزو دلالت التزامی غیربیین به شمار می رود، که آن هم به نوبه خود از اقسام دلالت لفظی است. و چون می دانیم تمام اقسام دلالت الفاظ ملاک هایی دارد، لذا تأویل هم که نوعی دلالت لفظی است اما غیربیین، نیاز به ملاک شخصی دارد تا از محدوده تفسیر خارج شود. اینک به ملاک ها و شرایط تأویل صحیح اشاره می کنیم:

۱ - رعایت مناسبت و ارتباط تنگاتنگ بین معنای ظاهری و باطنی، از این رو چون تأویل عبارت است از مفهوم عام منتزع از فحوای کلام، ناگزیر در انتزاع این مفهوم عام، باید مناسبت لفظی یا معنوی رعایت شود.

خداوند متعال می فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»^(۱) معنای ظاهر آیه این است که انسان باید در غذای خود تأمل کند و ببیند که طبیعت چگونه امکان به دست آوردن آن را فراهم ساخته است، و با تأمل در آن، مقدار فضل

ص: ۵۳

و عنایت و لطف و رحمت الهی را درخواهد یافت، این معنای ظاهری آیه است. ولی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «منظور از آیه، علمی است که انسان می آموزد، دقت کند که این علم را از چه کسی دریافت می کند.»^(۱)

وقتی در این بیان امام علیه السلام دقت می کنیم، تناسب بین علم و غذا را به راحتی در می یابیم؛ زیرا علم، غذای روح است، از این رو باید احتیاط به خرج داد تا آن را از منبع اصلی و حقیقی اش به دست آورد، به ویژه اگر علم دین و احکام شریعت مقدّس و آیین توحید باشد که در آموختن آن از منابع اصیل باید کمال احتیاط را به عمل آورد.

و نیز خداوند می فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^(۲). معنای ظاهری آیه کاملاً روشن است، می گوید: نعمت وجود، وسایل زندگی و تداوم حیات، همه در گروی اراده الهی و براساس تدبیر جهان شمول اوست ... ولی امام باقر علیه السلام در ذیل آیه بیانی دارد که معنای باطنی و محتوای کلی آیه را روشن می سازد. حضرت می فرماید: «اگر امام و پیشوای خودتان را از دست بدهید و به او دسترسی نداشته باشید چه خواهید اندیشید؟»^(۳) معلوم است که امام علیه السلام «مَاءٍ مَعِينٍ» در آیه را به پیشوای امت تفسیر می کند.

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه فرموده است: «مراد از «مَاءُكُمْ» علوم ائمه است و ائمه ابواب علم الهی اند، و در نتیجه مراد از «مَاءٍ مَعِينٍ» نیز علم ائمه است.»^(۴)

ص: ۵۴

۱- ۱۱۸. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۹.

۲- ۱۱۹. ملک/ ۳۰.

۳- ۱۲۰. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۷۲۷.

۴- ۱۲۱. همان.

آوردن استعاره «مَاءٍ مَّعِينٍ» برای علم نافع، آن هم در زبان پیامبر یا وصی او به ویژه وقتی که پشتوانه آن وحی الهی باشد، بسیار مناسب خواهد بود؛ زیرا همان طور که آب، منبع حیات مادی و منشأ اصلی امکان ادامه حیات بر روی کره خاکی است، علم نافع - به ویژه علم دین - نیز تنها پایه اساسی زندگی معنوی است و سبب سعادت دنیوی و جاودانگی اخروی انسان خواهد شد. بنابراین آب که مایه اصلی حیات است به مفهوم عام آن شامل علم نیز خواهد شد که ضامن حیات مادی و معنوی بشر است.

۲- رعایت نظم و دقت در کنار گذاشتن خصوصیات کلام مورد تأویل و تجرید آن از قرائن خاصه، تا حقیقت و مغز آن در قالب مفهوم عام هویدا گردد. مقصود از این شرط همان است که در منطق از آن به عنوان قانون «سبر و تقسیم» و در اصول با عنوان «تنقیح مناط قطعی» یاد می شود.

خداوند متعال از زبان حضرت موسی علیه السلام نقل می کند: «رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ»؛ (۱) «پروردگارا! به پاس آن نعمت که به من دادی هرگز پشتیبان گناهکاران نخواهم بود.»

این آیه مبارکه سخن حضرت موسی علیه السلام است که به شکرانه نعمت های فراوان مادی و معنوی ای که خداوند به او ارزانی داشته، با لحنی شکرانه و تعهدآمیز بر زبان جاری ساخته است.

ولی این معنای ظاهری آیه مبارکه است. جای این سؤال هست که آیا این موضوع تنها به حضرت موسی به عنوان یک پیامبر و شخص صالح اختصاص

ص: ۵۵

دارد یا حکم عقلی قطعی است که شامل همه صاحبان قدرت اعم از عالمان، ادیبان، حکیمان، صنعت گران و به طور کلی همه کسانی که خداوند به آنان نعمت علم و حکمت و توانایی سرنوشت ساز ارزانی داشته نیز می شود؟ بی تردید جواب مثبت است؛ زیرا عقل حکم می کند که این توانایی ها بیهوده در اختیار دارندگان آن ها قرار نگرفته است و باید در جهت سعادت بندگان خدا و عمران و آبادانی زمین به کار رود.

این مفهوم کلی آیه، تنها با به کار گذاشتن خصوصیات و قرائن موجود در آیه، ممکن است، و در نتیجه ملاک حکم عام به دست می آید.

انواع نزول قرآن

از ظواهر ادله استفاده می شود که قرآن کریم سه نوع نزول داشته است:

۱ - نزول دفعی؛ خداوند متعال می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ (۱) «همانا ما قرآن را در شب قدر (بر پیامبر صلی الله علیه وآله) نازل کردیم.» و در جای دیگر می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ»؛ (۲) «همانا قرآن را در شبی مبارک نازل نمودیم، همانا ما نازل کننده ایم.»

از این آیات به خوبی استفاده می شود که همه قرآن در شب قدر، یک جا بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شده است.

۲ - نزول تدریجی؛ از برخی از آیات استفاده می شود که قرآن نزول دیگری داشته؛ یعنی در طول ۲۳ سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شده است. خداوند

ص: ۵۶

۱- ۱۲۳. قدر/ ۱.

۲- ۱۲۴. دخان / ۳.

متعال می فرماید: «وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (۱) که مراد، نزول تدریجی است، به خلاف انزال که نزول دفعی است. (۲)

۳- نزول تأویلی؛ از مجموعه روایات تأویلی استفاده می شود که قرآن بار سومی هم بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده که همراه با بیان تأویلات و بطون آن از گذشته و آینده بوده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله آن ها را در اختیار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار داده است. یا به تعبیر دیگر آنان از تأویلات قرآن به جهت این که از راسخون در علم اند، اطلاع داشته و لذا در احادیث خود آن ها را بیان کرده اند. این بطون و تأویلات قرآن در حقیقت پرده ای از اعجاز قرآن از حیث معنا است.

دیدگاه علامه طباطبایی در رابطه با تأویل؛

علامه طباطبایی رحمه الله درباره تأویل تحقیقی لطیف دارد. وی تأویل را چیزی جدا از مفهوم می داند و اساساً آن را از سنخ الفاظ و معانی و تعبیر نمی داند، او معتقد است تأویل، حقایق و واقعیت هایی است که جایگاه آن ها خارج از ذهن و عبارات است. به عبارت دیگر، واقعیت هایی ورای اذهان و عبارات است... (۳)

سپس علامه می افزاید: «حقّ سخن در تأویل آیات قرآن آن است که تأویل، حقیقتی خارجی است که بیانات قرآن اعمّ از احکام و مواعظ و حکمت ها بدان مستند است. تأویل نسبت به تمامی آیات قرآن - چه محکم و چه متشابه - جاری است و نوعی مفهوم نیست که با الفاظ فهمانده شود، بلکه امور خارجی است فراتر از آن که در حیظه الفاظ درآید. و خدای سبحان

ص: ۵۷

۱- ۱۲۵. اسراء/ ۱۰۶.

۲- ۱۲۶. معجم فروق اللغویه، ص ۷۹.

۳- ۱۲۷. المیزان، ج ۳، ص ۴۸.

تنها به جهت تقریب به ذهن ما، آن امور متعالیه را در قالب الفاظ قرار داده و مقید به آن نموده است. این همانند «امثال» است که فراخور فهم شنونده ذکر می شود تا به واسطه آن به مقصود کلام نزدیک تر شود، و مطلب برایش آشکار گردد؛ از قبیل آیات مبارکه اول سوره زخرف: «حَمَّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَمَدِينًا لَعَلِي حَكِيمٌ» (۱). ایشان در توضیح آیه می فرمایند: بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله کتابی مبین به شیوه گفتاری و با زبان عربی عرضه شد، و علت این که در قالبِ زبانی، آن هم عربی عرضه شده، آن است که مردم آن را درک کنند، و گرنه قرآن نزد خداوند - لوح محفوظ - بلند مرتبه و بسی فراتر از دسترس فکر بشری است، بی آن که به فصل ها و بخش های گوناگون تقسیم گردد. بنابراین «کتاب مبین» در آیه مبارکه پیش عبارت است از اساس و منشأ قرآن که جایگاهی خاص در لوح محفوظ دارد، و بعدها لباس تنزیل بر قامت آن پوشانده شد. و این همان است که از آن به «امّ الکتاب» و «لوح محفوظ» تعبیر شده است. بنابراین کتاب مبین - که روح و اصل قرآن است - خالی از تفصیل بوده و چیزی غیر از این کتاب منزل است و این کتاب منزل «بین الدفتین» در حکم لباس برای آن کتاب مبین به شمار می رود. قرآن در مرتبه «تنزیل» نسبت به «کتاب مبین» - که ما آن را حقیقت کتاب می نامیم - همانند لباس برتن و به منزله تجسم یک شیء نسبت به حقیقت آن و یا به منزله آوردن مثال برای روشن شدن مقصود از کلام است.»

ص: ۵۸

آن گاه ادامه می دهد: «بنابر این تأویل واقعیت خارجی که موجب تشریح حکمی از احکام الهی یا بیان معرفتی از معارف الهی با پیدا شدن حادثه ای که مضمون یکی از قصه های قرآن است، گرچه چیزی نیست که خود امر و نهی یا بیان یا واقعه مورد نظر باشد، در هر حال (حکم یا بیان یا حادثه) چون از آن واقعیت خارجی نشأت گرفته و به مدد آن نمود یافته، به منزله اثری است که به صورت اشاره از آن حکایت دارد.

در پایان، نظر خویش را در مورد تأویل خلاصه کرده، می فرماید: «تأویل در لسان قرآن عبارت از حقیقتی است که در بطن شیء وجود دارد و مآل آن شیء بوده که بر آن متکی است، لذا تأویل رؤیا عبارت است از تعبیر آن، و تأویل حکم عبارت است از ملاک آن، و تأویل فعل عبارت است از مصلحت و غرض نهایی آن، و تأویل واقعه عبارت است از علت واقعی آن و ...» (۱)

دیدگاه ابن تیمیه درباره تأویل

ابن تیمیه درباره تأویل می گوید: «تأویل در دیدگاه متأخرین عبارت است از: انصراف لفظ معنای راجح و قوی به معنایی مرجوح و ضعیف به خاطر دلیل و قرینه ای که معنای مرجوح با آن همراه شده است.»

آن گاه در ادامه می گوید: «اما تأویل از دیدگاه سلف و گذشتگان دو معنی دارد:

۱ - تأویل مترادف با تفسیر است، که نظر مجاهد همین است.

۲ - مصداق خارجی کلام، که اگر کلام جمله ای انشایی باشد، تأویلش خود

ص: ۵۹

عمل مطلوب است. و اگر جمله خبریه باشد، تأویلش عبارت است از نفس وجود خارجی مخبرٌ به...» (۱)

ابن تیمیه باز در تفسیر سوره اخلاص در بیانی مفصّل درباره تأویل آیات متشابه می گوید: «راسخان در علم، تأویل آیات متشابه را می دانند و این که جبرئیل و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اصحاب وی و تابعان و پیشوایان و علمای مسلمانان از تأویل متشابهات بهره ای نداشته باشند و هم چنان که علم به ساعت قیامت مختص به خداوند است، آگاهی از تأویل آیات متشابه هم در انحصار خداوند باشد، امری بسیار دور از واقع است. هر کس مدعی شود که اینان - جبرئیل و پیامبر و ... - از تأویل متشابهات بهره ای ندارند، مانند کسی است که عبارتی را می خواند بی آن که معنایش را دریابد...» (۲)

آن گاه برای روشن شدن مطلب مثالی می زند، او می گوید: «اهل کتاب، آنچه در کتاب هایشان در ارتباط با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و صفات و اخبار آن حضرت آمده، به خوبی می دانستند، ولی این دانستن، شناخت معنای کلام (وجود ذهنی) و تفسیر آن است، امّا تأویل آن اخبار، خود وجود خارجی پیامبر است که مبعوث شده، وقتی نسبت به وجود خارجی پیامبر علم پیدا کردند و ایمان آوردند، همین، تأویل آن اخبار و توصیفات موجود در کتاب هایشان است ...»

انسان خوابی می بیند، معبر خواب را برای او تعبیر می کند، او هم مطلب را می فهمد؛ یعنی در ذهن تصور می کند. تحقق یافتن محتوای آن در عالم خارج، تأویل خواب است، نه تصور ذهنی آن و به زبان آوردن آن...» (۳)

ص: ۶۰

۱- ۱۳۰. رساله اکیلی، ص ۱۰ و ۱۷ و ۱۸.

۲- ۱۳۱. تفسیر سوره اخلاص، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۳- ۱۳۲. همان.

کلام ابن تیمیه از یک جهت صحیح و از جهت دیگر نادرست است. کلام وی از این جهت که تأویل را شامل تمامی آیات قرآن؛ اعم از محکم و متشابه می داند، و هم از این جهت که آن را حقیقتی و رای مفاهیم و عبارات می شمارد، صحیح است. ولی از آن جهت که تأویل را فقط عین خارجی محض می داند کلام وی مورد قبول نیست؛ زیرا همان گونه که از مرحوم علامه طباطبایی نقل کردیم: عین خارجی، مصداق است نه تأویل؛ بلکه تأویل، حقایق جاری در بستر زمان و مصالح واقعی و اهداف و مقاصد معینی است که از رهگذر تکالیف و احکام و حکمت ها و پندها و آداب و رسوم مطرح شده در قرآن قابل تحقیق است.

علامه طباطبایی رحمه الله در نقد کلام ابن تیمیه می گوید: «او اگر چه در پاره ای از مطالبی که مطرح کرده درست گفته، ولی در پاره ای دیگر بیراهه رفته است. وی در آنجا که می گوید: تأویل، اختصاصی به آیات متشابهات ندارد بلکه همه آیات قرآن را شامل می شود، و هم آنجا که گفته است: تأویل از نسخ مدلول لفظی نیست بلکه امری خارجی است که کلام بدان وابسته و بر محور آن استوار است، درست گفته، امّا این که هر امر خارجی مرتبط با مضمون کلام، حتی اخبار مربوط به حوادث گذشته و آینده را از اقسام تأویل کلام می داند، سختی نادرست است.»^(۱)

آیا علم به تأویل تنها از آن خداست؟

خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ

ص: ۶۱

مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمَّ الْكِتَابِ وَأَخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا...»؛ (۱) «خدا کسی است که بر تو کتاب را نازل کرد، در حالی که برخی از آن آیات محکم می باشند که آن ها مرجع و اساس مسلم کتابند، و برخی آیات متشابه هستند، اما کسانی که در دل هایشان میل به کجروی و انحراف از استقامت است از متشابه کتاب پیروی می کنند برای فتنه و فریب دادن مردم و برای این که تأویلش را می خواهند و حال آن که تأویل آن را جز خداوند نمی داند و آنان که در علم خود ثابت قدمند که در مورد آیات متشابهات می گویند به آن ایمان داریم از پیش خدای ماست.»

در مورد وقف بر «الما لله» در آیه فوق و شروع از «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ»، و نیز به جهت وجود پاره ای روایات که دلالت دارد تنها خداوند از تأویل آگاهی دارد و راسخان در علم هم از تأویل آگاهی ندارند و علم آن را به خدای سبحان واگذار می کنند، این سؤال مطرح است که آیا علم به تأویل تنها از آن خداست؟

از جمله روایاتی که چنین دلالتی دارد، بخشی از خطبه «اشباح» در نهج البلاغه است. امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «پس ای سؤال کننده، بیندیش! و آنچه قرآن از وصف پروردگار به تو می نماید بپذیر و نور هدایت قرآن را چراغ راه خود گیر، و از آنچه شیطان تو را به دانستن آن وا می دارد، و کتاب خدا آن را بر تو واجب نمی شمارد و در سنت رسول و ائمه هدی نشانی ندارد، دست بردار

ص: ۶۲

و علم آن را به خدا واگذار، که دستور دین چنین است و نهایت حقّ خدا بر تو این است. و بدان! آن ها که در علم دین استوارند، خدا آنان را از فرو رفتن در آنچه که بر آن ها پوشیده است و تفسیر آن را نمی دانند، و از فرو رفتن در اسرار نهان بی نیاز ساخته است و آنان را از این رو که به عجز و ناتوانی خود در برابر غیب و آنچه که تفسیر آن را نمی دانند اعتراف می کنند، ستایش فرمود. و ترک ژرف نگری آنان در آنچه که خدا بر آنان واجب نساخته را، راسخ بودن در علم شناسانده است. پس به همین مقدار بسنده کن! و بزرگی خدا را با میزان عقل خود ارزیابی نکن تا از تباه شدگان نباشی.»^(۱)

این خطبه از برجسته ترین خطبه های امیر المؤمنین علی علیه السلام و دارای بهترین سند است، که ممکن است کسی به آن استدلال کند بر این که علم تأویل مخصوص خداوند متعال است.

در پاسخ این استدلال می گوئیم:

امّیا در مورد آیه، ابن ابی الحدید می گوید: «برخی از قاریان، در آیه بر کلمه «إِلَّا اللَّهُ» وقف کرده اند، و برخی وقف نکرده اند، و این قول قوی تر است، زیرا اگر تأویل متشابه را جز خدا کسی نداند، انزال این قبیل آیات و مخاطب قرار دادن مکلفین بر آن بیهوده خواهد بود، بلکه بالاتر، به این می ماند که عرب را با زبانی دیگر مورد خطاب قرار دهیم که قبح چنین کاری بر همگان معلوم است. و امّیا محلّ «يَقُولُونَ» از نظر اعراب می تواند نصب باشد تا حال «راسخین» باشد، و می تواند کلامی مستأنف و مستقل باشد، به این معنا که

ص: ۶۳

این دانایان به تأویل می گویند: به آن ایمان آوردیم. روایت شده که ابن عباس آیه ای را تأویل کرد، مردی از صحابه گفت: «وما يعلم تأویله إلا الله»، ابن عباس گفت: «والراسخون فی العلم»، و من از جمله راسخان هستم. (۱)

و اما نسبت به کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه که به آن استدلال کرده بودند می گوئیم: شارحان «نهج البلاغه» همچون ابن ابی الحدید، راوندی، ابن میثم بحرانی و علامه خویی رحمه الله اتفاق نظر دارند که مراد امام علیه السلام از این کلام، صفات خداوند است، صفات حق توفیقی است و باید آن ها را تعبداً پذیرفت و کسی در پی شناخت گنه آن نباشد، زیرا راهی برای شناخت حقیقت صفات او همچون حقیقت ذات او نیست. وظیفه ما آن است که خدا را آن چنان وصف کنیم که خودش در قرآن وصف کرده است، و خود را به زحمت بیهوده در جهت فهم حقایق این صفات نیندازیم؛ زیرا سدها و حجاب های چندی بر سر راه فهم این صفات نهاده شده و راهی برای رسیدن به حقیقت آن ها نیست، بنابراین باید در برابر آن ها سر تسلیم فرود آورد.

کلام حضرت علیه السلام در اینجا با آیات متشابه - که برای راسخان در علم، جهل بدان شایسته نیست - برخوردی ندارد؛ زیرا آراستگی آنان به زیور دانش، امکان معرفت تنزیل و تأویل را - با هم - برای ایشان فراهم ساخته است.

نمونه ای دیگر از تأویلات

تأویل آیه که همان اخذ به فحوای عام آیه بوده و از بطن آیه استفاده می شود، در صورتی است که خصوصیات آیه را که در اصل مقصود دخیل

ص: ۶۴

نیست الغا کرده و مدلول التزامی آن را گرچه مخفی است تبیین کرده و به آن اخذ نماییم. لذا آن را در حکم سیاق کلام می دانند. و این از اسلوب های مفاهیم کلام نزد اهل لسان است؛ خصوصاً در صورتی که آن مفهوم با شواهدی از قرآن یا سنت یا دلالت عقل قطعی پشتیبانی شود. اینک به نمونه ای از تأویلات اشاره می کنیم:

خداوند متعال می فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (۱).

ظاهر آیه دلالت واضحی دارد و آن این که: نعمت وجود، وسایل زندگی و تداوم حیات تماماً در گروی اراده خداوند متعال و بر طبق تدبیر گسترده و رحمت واسعه الهی است.

ولی از امام باقر علیه السلام کلامی رسیده که مربوط به جانب باطن آیه و دلالت فحوای عام آن است، و آن این که در تفسیر آیه فرمود: «إذا فقدتم إمامكم فلم تروه فماذا تصنعون» (۲)، هرگاه امام خود را مفقود نمایید و او را مشاهده نکنید، چه خواهید کرد؟

از امام رضا علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه مورد نظر فرمود: «آب شما درهای شما، امامانند، و امامان درهای خداوند می باشند: «فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»؛ یعنی چه کسی برای شما علم امام را می آورد. (۳) عاریه آوردن آب گوارا برای علم نافع، خصوصاً علمی که مستند به وحی است از جانب پیامبر یا

ص: ۶۵

۱- ۱۳۷. ملک/۳۰.

۲- ۱۳۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۳.

۳- ۱۳۹. تأویل الآیات، ج ۲، ص ۷۰۸.

وصی او امری معروف و شناخته شده است. همان گونه که آب اصل حیات مادی بوده و موجب امکان معیشت سالم است، همچنین علم نافع و به طور کلی علم شریعت، اساس امکان حیات معنوی در سعادت است. لذا خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (۱)

بنابراین تأویل کلمه «ماء» به اعتبار این که منشأ حیات و زندگی است، مفهوم عام آن در نظر گرفته شده که شامل علم نیز می شود تا در برگیرنده حیات مادی و معنوی هر دو گردد.

ص: ۶۶

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص: ۶۷

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱- قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۲- قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۳- قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- ۴- قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۵- قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۶- کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۷- کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۸- منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۹- منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- ۱۰- نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی
- ۱۱- صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای
- ۱۲- ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- ۱۳- آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- ۱۴- آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی
- ۱۵- آخرین پناه محمود ترحمی
- ۱۶- آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- ۱۷- آشنایی با چهارده معصوم (۲۱و)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- ۱۸- آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف الهی
- ۱۹- آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمد حسین کمالی

۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف

۲۷ - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص: ۶۸

- ۲۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات
- ۳۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی
- ۳۳ - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی
- ۳۴ - بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی
- ۳۵ - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۶ - پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی
- ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی
- ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی
- ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی
- ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی
- ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- ۴۵ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی
- ۴۷ - تشریح یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری
- ۴۸ - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

- ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی
- ۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد
- ۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی
- ۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی
- ۵۳ - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا
- ۵۴ - ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش
- ۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری
- ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی
- ۵۷ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۵۸ - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی
- ۵۹ - داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد
- ۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

- ۶۱ - در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف
- ۶۲ - در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی
- ۶۳ - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای
- ۶۴ - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور) کریم شنی
- ۶۵ - دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی
- ۶۶ - دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا
- ۶۷ - رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی
- ۶۸ - رسول ترک محمد حسن سیف الهی
- ۶۹ - روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی
- ۷۰ - زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات
- ۷۱ - سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی
- ۷۲ - سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۷۳ - سرود سرخ انار الهه بهشتی
- ۷۴ - سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری
- ۷۵ - سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی
- ۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد الهی
- ۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی
- ۷۹ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائجی

۸۱ - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح

۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۸۵ - عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ - عطر سبب حامد حجتی

۸۷ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ - فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی

- ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی
- ۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری
- ۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی
- ۹۸ - فریادرس حسن محمودی
- ۹۹ - قصه های تربیتی محمد رضا اکبری
- ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۱ - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان
- ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی
- ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۱۰۷ - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی
- ۱۰۸ - مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

- ۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای
- ۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- ۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات
- ۱۲۲ - نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۲۴ - ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ - نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ - نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۸ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ - هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ - یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ - ینایع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱
تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱-۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴-۵۶۶۴۲۱۲-۰۱۲۲

ص: ۷۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

